

واکاوی زکات در مقایسه با مالیات از دیدگاه فقه اسلامی

ایران سلیمانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۹

چکیده

زکات از واجبات عبادی مالی و مهمترین برنامه‌های اقتصادی اسلام است. با پدیداری رویکردهای متفاوت اجتماعی، اقتصادی، مقتضیات زمان، پیدایش مشاغل جدید و پرداخت مالیات‌های متغیر، توان پرداخت زکات تحت تاثیر قرار گرفته و بالتبع وجوب آن توأم با پرداخت مالیات جهت تامین نیازهای فراوان مالی کشور و لزوم تامین مالی از منابع مطابق با موازین شرع مورد مناقشه علمی متفکران اسلامی و فقهای معاصر قرار گرفته است. مسائل مستحدثه اینچنین و نیازمندیهای جدید نه به معنای درماندگی فقه است و نه مستلزم دست زدن به بدعتها و خروج تدریجی از دین؛ بلکه به معنای اجتهاد پویا و تکامل یافته‌ای است که بدون دست کشیدن از اصول بلکه بر اساس همین اصول، فروع را تبیین و پرسشها را پاسخگوست. این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی به این نتیجه دست یافت که با توجه به مقتضیات زمان، مصارف بیت المال، برای حفظ حکم وجوب زکات و تداوم آن در جامعه اسلامی، می توان زکات و نظام مالیاتی را توأمان منابع بیت المال محسوب و نسبت به پیاده سازی نظام مالیاتی مطلوب در قالب دین اسلام مبادرت نمود تا مثمرتر و پاسخگو به تحولات روز باشد.

واژگان کلیدی: پرداخت دو سویه، مالیات های حکومتی، زکات، خراج، هزینه دولت

^۱استادیار فقه و حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول)

۱- مقدمه

در قرآن کریم کلمه زکات و مشتقات آن در معانی متعددی استعمال شده است؛ زکات به معنای پاک بودن و طهارت نفس (شمس: ۹/۹۱)، رشد و نمو (بقره: ۲۳۲/۲)، سهم مالی خاص در اموال مشخص (توبه: ۹/۶۰)، انفاق و صدقه (مومنون: ۴/۲۳)، زکات به معنای مدح (نساء: ۴۹/۴)، زکات فطره در آیه شریفه؛ «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّىٰ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ» تزکی پاکیزه گشتن از تعلقات دنیوی که بازدارنده از آخرت است (اعلی: ۱۵/۸۷) از آنجا که قرآن کریم غایت آدمیان را در سایه عدالت رسیدن به سعادت می داند و تحقق عدالت را در سایه حاکمیت می داند و حاکمیت عدالت را مقید به شاخص هایی کرده است. در بعد اقتصادی وجود مفاهیمی چون بیت المال، دیوان، درآمدهای مالی و ... گویای وجود این محورها است. بدیهی است هر جا که یک نظام اجتماعی برای اداره جامعه به وجود بیاید، از اجزای لاینفک آن مجموعه، فراهم آمدن نظامی مالی برای رسیدن به اهداف آن مجموعه ضروری تشخیص داده می شود. بر این اساس در قرآن و روایات و سیره ی معصومین (ع) مسائل مالی؛ زکات، خمس، انفال، فیء و ... مورد عنایت بوده و از اولین رهنمودهای اقتصادی دین اسلام است. حاکمیت اسلامی اندک زمانی پس از هجرت سیستم مالی زکات و راهکارهای اخذ بودجه و فراهم کردن آن در قالب هایی مثل جزیه، خراج و ... را مورد توجه قرار داد. بر این اساس، چالش این است که آیا همه ی وجوهات دینی، همان مالیات های حکومت دینی است و تغییر و تفاوت الفاظ هیچ مداخلت ندارد؟ مالیات اسلامی حقی معلوم است که قانون گذار اسلامی، بر دارایی افراد واجب کرده است. این حق به صورت نقدی و غیر نقدی بنا به شروط معین و با تکیه بر دستورالمعمل های مالی دریافت می شود و هر فرد چه در حمایت دولت اسلامی و یا خارج از این محدوده باشد. مکلف به پرداخت حقی است که بر ذمه دارد. مانند زکات اموال، زکات فطره، خمس، جزیه، خراج و غیره هست اما امروزه بدلیل مشکلات اقتصادی وجوب پرداخت توأمان وجوهات دینی با مالیات های متغیر مورد سوال است که آیا در عرض همدیگر باید باشند یا نه؟ از آنجا که حاکم اسلامی مالیات های متغیر را در موارد و شرایط خاصی وضع می نماید و از طرف شارع مقدس، مقدار و نسبت خاصی برای آنها در شرع مقدس در نظر گرفته نشده است؛ بلکه تابع هزینه های ضروری و یا مطابق مصلحتی است که حاکم اسلامی در نظر دارد با توجه به شرایط اقتصادی و پویایی فقه اسلامی می توان با اجتهاد پویا، به چالش های مالیات و نظام مالی مترقی و پیشرو پاسخ داد.

۲- ادله و مستندات زکات

وجوب زکات از ضروریات دین اسلام و مورد اتفاق همه مسلمانان است. فقهای شیعه، بر واجب بودن زکات، صرف نظر از شهرت فتوایی بین اصحاب، به دلیل های؛ کتاب، سنت، عقل و اجماع استناد جسته اند. که از ظرفیت های بسیار بالایی در جهت وضع مقررات برخوردارند. از آنجا قانون ریشه فقهی و قرآنی دارد قانونگذار باید به مفاهیم و مفاد فقهی قوانین پای بند باشد و در جایی که قانون ناقص یا مجمل است می تواند به طور مستقیم به قواعد مذهبی که منشأ آن حکم الهی است، استناد کند. لذا با استناد به ادله اربعه در اخذ احکام می توان وجوب پرداخت مالیات های ثابت و متغیر را چنان ساماندهی کرد که موجب ترک وجوب نشود. به عبارت بهتر قانونگذار با اخذ اجباری مالیات های متغیر نباید باعث ناتوانی جامعه اسلامی در پرداخت مالیات های ثابت مثل زکات شود.

۲-۱- قرآن کریم

براساس سوره های مکی قرآن حکم وجوب زکات در مکه نازل شده است، و مسلمانان موظف به انجام این وظیفه اسلامی بودند؛ ولی هنگامی که پیامبر (ص) به مدینه مهاجرت کرد و پایه حکومت اسلامی را گذارد از طرف خداوند مأموریت یافت که زکات را شخصاً از مردم بگیرد نه این که خودشان به میل و نظر خود، در مصارف آن صرف کنند. آیه شریفه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ»

صَدَقَهُ...» (توبه: ۱۰۳/۹) در این هنگام نازل شد. این آیه شریفه متضمن حکم زکات مالی است، که خود یکی از ارکان شریعت و دین اسلام است؛ هم ظاهر آیه این امر را می‌رساند و هم اخبار بسیاری که از طریق ائمه علیهم‌السلام و از غیر ایشان نقل شده است. (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۵۱۲) مشهور این است که نزول این آیه در سال دوم هجرت بود و سپس مصارف زکات به طور دقیق در آیه ۶۰ سوره توبه بیان گردیده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۹، ج ۸، ص ۱۴) بر اساس فهم قرآنی زکات مختص به اسلام نیست و در ادیان گذشته نیز مورد توجه پیامبران پیشین بوده است. آیات زیر مؤید همین مطلب است:

«وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا؛ خداوند من (حضرت عیسی) را سفارش کرده است به نماز و زکات» (مریم: ۳۱/۱۹)

«وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا؛ حضرت اسماعیل اهل خود را دستور به نماز و زکات می‌داد و نزد پروردگارش پسندیده بود.» (مریم: ۵۵/۱۹)

«وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ؛ کارهای خوب و نماز و زکات را به آنها وحی کردیم.» (انبیاء: ۷۳/۲۱)

و در باره اهل کتاب می‌فرماید: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ؛ آنان مامور شده بودند نماز را به پا دارند و زکات بدهند که این دین درست است. (بینه: ۵/۹۸) در قرآن کریم در خصوص زکات بسیار تاکید شده است و در اکثر موارد وقتی به نماز امر شده است بلافاصله به زکات هم دستور داده شده است از جمله؛ حضرت موسی (ع) (بقره: ۴۳/۲-۸۳)، ویوسف (ع) (یوسف: ۸۸/۱۲)، و حضرت اسماعیل (ع) (مریم: ۵۵/۱۹) و «الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ...» (ابراهیم: ۱-۳/۲۷) زکات به عنوان شرط ایمان و قرین نماز مطرح شده است. «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ...» (حج: ۲۰/۷۳)، «... وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخِوَانُكُمْ فِي الدِّينِ» (یس: ۱۱/۹) در این آیه توبه، نماز و زکات، شروط ورود به دین اسلام معرفی شده‌اند. «وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ. الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ» (فصلت: ۷/۴۱)، که در واقع ندادن زکات را مورد نکوهش قرار داده است. (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۳۶۱) رسول اکرم (ص) تا یکسال در امر جمع آوری زکات امهال کردند. «حتی حال علیهم‌الحوال» (و در پایان سال عاملان زکات را برای جمع آوری و اخذ زکات اعزام داشتند. (حر عاملی، ۱۳۶۴، ج ۹، ص ۱۲۲) البته قول مشهور آن است که زکات در مدینه تشریح شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۹، ج ۸، ص ۱۹) و آیات مکی زکات را از نوع زکات نفس تفسیر و تأویل کرده‌اند. برخی اقتران زکات به اینتا را بر زکات مال تفسیر کرده‌اند، چون اینتا به معنای اعطا می‌باشد، لذا دلالت بر مال می‌کند. اما گفته‌اند که زکات در آیات مکی به صورت مطلق و مستقل از حدود، قیود، نصاب و مقادیر و نیز جابیه و جمع آوری می‌باشد و زکات با تعیین نصاب برنامه جمع آوری و اخذ آن در سال دوم هجری قمری و در مدینه واجب شده است، زیرا در مدینه بود که جماعت مسلمانان توانستند کیان مستقل و حکومت داشته باشند. لذا تکالیف و احکام اسلامی و از جمله زکات صورت جدیدی به خود گرفت و از حالت مطلق و عمومیت خود خارج شد و در شکل قوانین الزامی و اجرایی و عینی تبیین شد. اما در آیات مدنی به صورت امر و دستور صریح آمده است. با دقت در آیات، وجوب پرداخت زکات در قرآن قطعی و تعبدی است. اساساً اصل زکات یک امر تشریحی است؛ اما موارد و متعلقات آن و بلکه منابع حد نصاب و مقدار آن از اموری است که در هر زمان مربوط به امام و ولی امر است که هرگونه صلاح بدانند، تعیین کند. پس طبق این برداشت، منابع زکات و سایر شرایط در هر زمانی دچار نوسان است. به این توضیح که؛ در زمان نزول آیات و صدور روایات اخذ وجوهاتی بنام مالیات درآمد و ارزش افزوده و مالیات مشاغل و... نبود. این مآخوذات در اذهان عموم شبهه‌ای ایجاد کرده است مبنی بر اینکه وقتی یک فرد از درآمد ماهانه، تهیه غذا، خرید مایحتاج،

تهیه دارو و درمان، پرداخت هزینه آب و گاز و تلفن و برق، پرداخت خدمات عمومی و شهرداری و عوارض و ... مالیات پرداخت می کند دیگر توان پرداخت زکات نخواهد داشت. از این رو افراد جامعه در دو راهی مانده اند؛ آیا وجوب زکات با این واریزهای کلان، تحت تاثیر قرار نمی گیرد؟ آیا با پرداخت مالیات اجباری و متغیر، حد نصاب برای پرداخت زکات که واجب شرعی است با مشکل مواجه نمی شود؟ النهایه روز به روز عسر و حرج در پرداخت زکات بیشتر و استطاعت مالی کمتری شود. لذا به استناد آیات مذکور زکات واجب شرعی است باید اطاعت شود و ترک آن معصیت است حال این ترک چه از سوی فرد باشد چه از سوی عواملی که موجب ترک آن می شود. از آنجا که با سنگینی مالیات های متغیر قدرت پرداخت زکات اکثر اقشار جامعه روز به روز به افول می رود و در نهایت به فراموشی سپرده شود. لذا برای حفظ و تداوم این واجب شرعی بازنگری در اخذ وجوهات و تامین منابع مالی بیت المال قابل تأمل است.

۲-۲- روایات

پرداخت زکات در روایات پیشوایان دین و احکام اسلامی تاکید شده است. و روایات بی شماری درباره وجوب زکات نقل گردیده است. رسول خدا (ص) می فرماید: «الزَّكَاةُ قَنْطَرَةُ الْإِسْلَامِ...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۴۰۵)، امام رضا (ع) فرمود: «خداوند به من نعمتهایی داده است که دائماً نگران آن هستم تا حقوقی را که نسبت به آنها بر من واجب کرده است، پرداخت کنم. سؤال شد: شما نیز با آن مقام بزرگی که دارید به سبب تأخیر زکات از خدا می ترسید؟ فرمود: بله.» (بروجردی، ۱۳۸۰، ص ۴۲) یکی از القابی که علی (ع) حضرت صدیقه را با آن خطاب می کرد این بود: «یابنت من حمل الزکاة فی طرف ردائه ...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۷۸) و نیز روایاتی که با مفاهیم مختلف اهمیت زکات را تبیین نمودند: زکات قرین نماز (حر عاملی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۲۲)، زکات مایه آزمایش ثروتمندان (حر عاملی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۴)، پرداختن زکات موجب هلاکت (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱۰، ص ۳۳)، خیانت در پرداخت زکات مساوی با شرک (مجلسی ۱۴۰۳، ج ۹۶، ص ۲۹) این روایات به چند دسته تقسیم می شود: روایاتی که حکم به پرداخت مالکانی که زکات بر عهده دارند می دهد. (حر عاملی، ۱۳۶۴، ص ۲۶) امام صادق (ع) "مَنْ مَنَعَ قِرَاطًا مِنَ الزَّكَاةِ فَلَيْمَتْهُ انْ شَاءَ يَهُودِيَا وَ انْ شَاءَ نَصْرَانِيَا؛ كَسَى كَسَى" که ذره ای از زکات را ندهد یا یهودی یا نصرانی می میرد" (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۶، ص ۲۰) در کتب عامه نیز آمده است:

"زکات رکنی از ارکان پنجگانه اسلام است و بر هر کس که شرایط آن را داشته باشد، واجب عینی است و به احادیث زیادی استناد شده که از جمله آنها قول پیامبر است که فرمود: "بنی الاسلام علی خمس، و سپس از جمله پنج مورد، ایتاء زکات را ذکر کرده است. (جزیری، عبدالرحمن و همکاران، الفقه علی المذاهب الاربعه، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۵۹۰)

۲-۳- پرداخت زکات در سیره مسلمانان

در اهمیت زکات و پرداخت آن توسط خود مالک به سیره مسلمانان استدلال شده است. (نجفی، ۱۳۶۷، ص ۹۸) به این معنی که مردم در عصر ائمه (ع) زکات خود را به مصرف می رسانده اند و ائمه (ع) آنان را از این کار منع نمی کردند بلکه در برخی از موارد آن را تأیید می نمودند. لذا با تأیید سیره مسلمین در پرداخت زکات توسط مالک، بطریق اولی تأیید و اهمیت زکات قابل فهم است.

۲-۴- اجماع

گروهی پرداخت زکات از سوی مالک را اجماعی می داند. (حلی، ۱۴۱۴، ص ۱۲۵)، ابن زهره پرداخت زکات از سوی مالک را در زمان غیبت اجماعی دانسته است. (ابن زهره، ۱۳۷۶، ص ۱۳۱) شیخ طوسی می گوید: در زکات نقدین و تجارات، اختلافی

نیست (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۵) نراقی می نویسد: بر مالک جایز است که خود سرپرستی رساندن زکات را به اهل آن بر عهده گیرد. و در درستی سرپرستی مالک را، هم در مال‌های آشکار و هم در مال‌های پنهان اجماعی دانسته است. (نراقی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۵۷) بنا بر مشهور همان گونه که گروهی از فقیهان بر این مطلب آشکار نظر داده اند. علامه حلی، در (تذکره) و (منتهی)، مسأله را اجماعی می‌داند. ابن زهره در (غنیه) در زمان غیبت مسأله را اجماعی دانسته است. شیخ طوسی در (مبسوط) و (خلاف) می‌گوید: در مال‌های باطنه، مانند! زکات نقدین و تجارات، اختلافی نیست، و در جای دیگر (خلاف) درستی سرپرستی مالک را، هم در مال‌های آشکار و هم در مال‌های پنهان اجماعی دانسته است. صاحب جواهر، این دیدگاه را ضروری بین شیعه می‌داند. (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۱۵، ص ۴۱۸)

۳- اهمیت پرداخت زکات

هر دین و مکتبی برای اداره و حفظ جامعه نیازمند به تأمین امور مالی است. نقش «بیت المال» و «زکات» که یکی از منابع درآمد «بیت المال» است، از مهم ترین نقش ها است. شک نیست، هر جامعه ای دارای افراد از کار افتاده، بیمار، یتیم بی سرپرست، معلول، و امثال آنها می باشد، که باید مورد حمایت قرار گیرند. و نیز، برای حفظ موجودیت خود در برابر هجوم دشمن، نیاز به سربازان مجاهدی دارد که، هزینه آنها از طرف حکومت صحیح است. همچنین، کارمندان، دادرسان و قضات، و نیز وسائل تبلیغاتی و مراکز دینی، هر کدام نیازمند به صرف هزینه ای هستند، که بدون یک پشتوانه مالی منظم، و مطمئن، سامان نمی پذیرد. به همین دلیل در اسلام، مسأله «زکات»، که در حقیقت یک نوع «مالیات بر درآمد و تولید» و «مالیات بر ثروت را کد» محسوب می شود، از اهمیت خاصی برخوردار است. لذا فلسفه ی وجودی زکات، مهم ترین منبع درآمد تعاونی اسلام و حق فقرا و محرومین در اموال اغنیا، مع الواسطه اداره ی جامعه ی مسلمین، هماهنگی عبادت و اداره جامعه و برطرف کردن نابسامانی‌های آن و... است. طوری که اگر مردم، این اصل مهم اسلامی را فراموش کنند، شکاف و فاصله میان گروه ها آن چنان می شود که، اموال اغنیا نیز به خطر خواهد افتاد. بر اساس روایات زکات محصور در نه چیز است، رسول خدا (ص) فرمود: خدا زکات را از طلا و نقره و شتر و گاو و گوسفند، و از گندم و جو و خرما و مویز بر شما فرض فرموده است. (صدوق، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۰۱) اکثر فقهای شیعه به استناد روایات، محصور در موارد نه گانه می‌دانند. اما به نظر می‌رسد به دلایل زیر، محصور در موارد مذکور نباشد: اولاً، حدود ۲۰ آیه در قرآن است که کمیت و کیفیت زکات در آنها معین نشده است. مانند: آتوا الزکاة، ویؤتون الزکاة و... مثلاً در هشت جا در مورد کلمه «صدقه» که به زکات تفسیر شده هیچ‌گونه مقدار و خصوصیتی ذکر نشده... (حائری، ۱۳۷۶، ش ۱۱ و ۱۲) ثانیاً، در سیزده روایت به دنبال بیان موارد نه گانه ی زکات آمده است که پیامبر و جوب زکات را در سایر موارد عفو کرده است. (حرعاملی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۳۳) ثالثاً، با پذیرش ولایت فقیه در عصر غیبت، تردیدی نیست فقیه حاکم، همان اختیاراتی را دارد که پیامبر (ص) در ایام حکومت داشت. (موحدی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۱) موسوی خمینی (ره) بر اساس این دیدگاه می‌نویسد «مالیات هایی که اسلام مقرر داشته و طرح بودجه هایی که ریخته نشان می‌دهد. تنها برای سد رمق فقرا و سادات فقیر نیست؛ بلکه برای تشکیل حکومت و تأمین مخارج ضروری یک دولت بزرگ است. مثلاً «خمس» یکی از درآمدهای هنگفتی است که به بیت المال می‌ریزد و یکی از اقلام بودجه را تشکیل می‌دهد... اگر حکومت اسلامی تحقق پیدا کند، باید با همین مالیات ها، یعنی خمس و زکات و... اداره شود. تعیین بودجه ای به این هنگفتی دلالت دارد بر این که منظور تشکیل حکومت و اداره کشور است. برای عمده حوائج مردم و انجام خدمات عمومی، اعم از بهداشتی، فرهنگی، دفاعی و عمرانی قرار داده شده است. (خمینی، ۱۳۹۴، ص ۳۲) و نیز می‌فرماید: «اگر یک روزی هم ان شاء الله توانستیم و توانستید که همان مالیات اسلامی را بگیریم... و هیچ احتیاجی به چیز دیگری زاید (مثل مالیات) نداشته باشیم... امید است که بشود (خمینی، بی تا، ج ۸، ص ۲۳۴)

بنابراین اگر مقدار آن برای رفع فقر کافی نبود، حاکم اسلامی می تواند مصادیق آن را توسعه دهد تا هدف مذکور تأمین شود. رابعاً، امام علی (ع) بر اسبها هم زکات وضع کرده بود (همان) و این خود قرینه است که زکات محصور در موارد نه گانه نیست. خامساً، برخی از بزرگان مانند یونس بن عبدالرحمن، بنا به نقل کلینی، احصاء زکات در موارد نه گانه را مخصوص صدر اسلام دانسته اند (حرعاملی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۴۱) سادساً، امام صادق (ع) فرمودند که برنج زکات دارد (منبع پیشین). بنابراین اگر زکات موارد نه گانه ی مذکور نتوانست احتیاجات جامعه ی اسلامی را رفع کند، ولی امر مسلمانان می تواند موارد دیگری را مشمول زکات قرار دهد.

۴- هدف و فلسفه ی وضع قانون زکات

فلسفه عبادات از طرف شارع به طور کامل مشخص نیست، اما با توجه به دلایل عقلی، وجود آیات و روایات؛ می توان برخی از حکمت ها و اهداف آن را نام برد. هدف از وضع قانون زکات صرفاً جمع آوری، تأمین بیت المال یا کمک به نیازمندان نیست، بلکه هدف در درجه اول آزمون الهی است؛ «وَلْتَبْلُوْنَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ» (بقره: ۱۵۵/۲). در درجه ی دوم، با اعطای زکات نوعی تضامن و تکافل اجتماعی به وجود می آید، پس، هدف از تشریح زکات هم سازندگی و تعالی روح فرد است و هم جامعه. زکات جامع ابعاد بسیاری از احکام اقتصادی، احکام اجتماعی، عبادی و تربیتی اسلام و از احکام اخلاقی است. که توجه و عنایت به ابعاد خاصی از آن، معنا و مفهوم آن را ناقص می سازد، و تمام غرض شارع در وضع این قانون را تأمین نمی کند. باید گفت ابعاد فردی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و عبادی، در حکم و قانون زکات یکپارچه هستند و از یکدیگر جدا ناپذیرند.

۵- رابطه زکات و مالیات

با توجه به تبیین فلسفه زکات و پویایی فقه اسلامی، تعیین موارد مشمول زکات و نصاب و مقدار آن از جمله شئون حاکم اسلامی است. لذا این پرسش مطرح است که با وجود زکات، مالیات چه جایگاهی می تواند داشته باشد؟ آیا این دو قابل جمع می باشند یا وجود یکی دیگری را نفی می کند؟

۵-۱- مبنای عدالت در مالیات و زکات

عدالت به عنوان یک معیار و مقیاس احکام و قوانین شرعی و اسلامی است؛ همانطور که قیام آسمانها و زمین بر اساس عدل بوده است. فلسفه ی بعثت انبیا و انزال کتب و میزان نیز به عدل و قسط تعریف می شود. از این رو، منزلت عدل جایگاهی مبنایی و اساسی را پیدا کرده، و جوهره ی احکام و مقررات وصفی جوامع را تشکیل داده است. تصویر عدالت در فضای احکام اقتصادی نمای اسلام مثل خمس، زکات و ...، خود روشنگر این معناست که تنظیم یک قانون بر مبنای عدالت با چه مکانیزم و کیفیتی میسر خواهد بود. در آیه شریفه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ ...» (انفال: ۴۱/۸)، زکات یک مالیات نسبی است، نه تصاعدی. نصابهای زکات مطابق یک معیار عادلانه و ثابت، وضع شده است که در نتیجه ی آن تفاوتی بین صاحبان اقلام مشمول زکات، محفوظ بوده و به هیچ وجه تبعیض در آن ملاحظه نمی شود. لذا اسلام در تنظیمات اقتصادی خود، معیار عدالت را به عنوان یک مبنا و مقیاس معرفی کرده است و همانگونه که در خمس و زکات و سایر مالیات ها این معنا قابل تطبیق می باشد، از این رو انتظار می رود در وضع مالیاتهای غیر منصوص که به طور ابتدایی و ابتکاری تعیین و تعریف می شوند، معیار عدالت مد نظر باشد. مالیاتی که دولت اسلامی برای تأمین هزینه ها از افراد اخذ می کند. دو نوع است: الف) یک نوع مالیات در دین اسلام مالیات اولی (ثابت) است که نسبت، مقدار، وضع یا مجموع آن مشخص شده مثل زکات. ب) مالیات

های ثانوی یا حکومتی، که در صورت کافی نبودن مالیات های اولی تعیین و اخذ می شود. مسئولیت و ضمانت دولت در این موارد «ضمان اعاله»، یعنی تهیه ی لوازم زندگی افراد به اندازه ی مکفی است. به همین دلیل نمی توان به طور مطلق برای آن حداقلی و یا حداکثری به کار برد، چون به تناسب سقف رفاه جامعه، سطح آن در حد فاصل حداقل تا حداکثر مشخص می شود. بنابراین، دولت باید حاجت های اصلی و عمومی را تأمین کند. این حاجت ها باید از لحاظ کمیت و کیفیت با توجه به شرایط روز کافی و شایسته باشد؛ به علاوه نیازهای درجه دوم را که به واسطه ی بالا رفتن سطح زندگی پیدا می شود. برطرف کند (صدر، ۱۴۰۲، ص ۲۹۳) علی (ع) به این اصل حقوقی اعتقاد داشتند که مشمولان زکات تا آنجا که فقیران مانند بقیه ی مردم بی نیاز شوند باید زکات بپردازند. این اصل به حاکم امکان می دهد که در صورت کافی نبودن مالیات های ثابت، با استفاده از اختیارات قانونی خود، مالیات های بیشتری وضع کند. این نوع مالیات را در اصطلاح امروزی مالیات حکومتی می نامند (صدر، ۱۴۰۲، ص ۳۴۵). مطهری می نویسد: «بر اساس مقتضیات زمان که باید مصالح عمومی بر مصالح شخصی ترجیح داده شود. ایرادی ندارد که فقیه جامع الشرایط دستور به اخذ مالیات دهد و حتی می تواند دستور به اخذ مالیات تصاعدی نیز بدهد» (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۳۵). در این صورت آیا می توان مبلغ زکات شخص را از مقدار مالیات او و بالعکس کم کرد؟ از آنجا که زکات و مالیات برای خود مبنایی جداگانه دارند و مستقل از یکدیگر هستند. ولی امر می تواند به منظور رعایت حال افراد کم درآمد، یا برای مصالح حکومتی که خود عهده دار آن است بگوید: هر کس زکاتش را بپردازد. از تخفیف مالیاتی برخوردار می شود، در غیر این صورت هیچ کدام از وجوه شرعی و مالیات جای دیگری را نمی گیرند. اما مسأله ی به هم خوردن توزیع عادلانه درآمد، این مطلب ممکن است در یک شرایط ناسالم و فاسد پیش آید اما حقیقت این است که ولی امر می تواند مردم را به پرداخت زکات وادار کند و اگر کسی از پرداختن آن سرباز زند، با اعمال قدرت از او بگیرد. در حکومت اسلامی اصل رفتار با مردم، رفتار از روی مروت و اخلاق است، اما اگر کسی هوای تخلف در سر داشت با او برخورد می شود.

۵-۲- ارتباط وجوهات شرعی با نظام مالیاتی

پرداخت زکات از زمان تشریح تا به امروز به جز برهه هایی کوتاه در اباحه و تحلیل آن ها توسط ائمه (ع)، واجب بوده است. زکات بر خلاف مالیات های حکومتی که وضع آن ها عموماً از قاعده خاصی تبعیت نمی کنند، شرایط و منابع و مصارف خاص خود را دارد. اما به نظر می رسد بنا به دلایلی، قانون جمهوری اسلامی ایران در مورد پرداخت یا عدم پرداخت این وجوه سکوت کرده است و می توان گفت پرداخت این وجوهات الزام قانونی ندارد. اما طبق فتوای علماء و مراجع معاصر، پرداخت خمس و زکات شرعاً الزامی و واجب است. در مورد وضع مالیات های حکومتی و جواز آن سه نظر عمده در میان فقهای معاصر وجود دارد: الف- عده ای از فقها، پرداخت مالیات را واجب می دانند. از این رو نگاه آن ها به وضع مالیات های حکومتی، وضع حکمی اولیه در کنار وضع وجوهات شرعی است. (مشکینی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۱) و عدم پرداخت مالیات به مثابه استفاده از کالاهای عمومی بدون پرداخت قیمت آن بوده و فرار به هر شکلی در آن فعل حرام محسوب می شود. ب- فقهای معاصر، مالیات حکومتی را حکم ثانویه تلقی کرده و اصلاً جواز آن ها را منوط به حکم حاکم شرع می دانند (یوسفی، ۱۳۷۹، صص ۶-۴۳۵). ج- برخی از فقهای دسته دوم نوع تحلیل دسته اول در توجیه مالیات را بر می گزینند چرا که از یک سو جواز اخذ مالیات را منوط به نظر حاکم شرع دانسته و از سوی دیگر تحلیل خود را بر اساس اولیه بودن حکم مالیات ارائه می دهند. در تبیین مطلب می توان گفت این دو در عرض هم نیستند، بلکه در طول هم می باشند و با این برداشت نه می توان گفت یک نوع تغایر مطلق با همدیگر دارند و نه می توان آن دو را یکی دانسته و با یک مفهوم تطابقی جایگزین هم ساخت

۵-۳- مشکل پرداخت های دوسویه

براساس فتوای فقها، با توجه به شرایط موجود، پرداخت وجوهات شرعی و مالیاتهای حکومتی هر دو واجب است (یوسفی ۱۳۷۹: صص ۸-۴۳۷) مشکلات ناشی از این پرداخت های دوسویه را می توان در یکی از این سه سطح مشاهده کرد: افرادی که اولویت و تقدم رتبی را بنا به حکم تعالیم اسلامی به پرداخت وجوهات شرعی داده و با پرداخت آن ها، فرار از پرداخت مالیات های حکومتی را به جهت فقدان نصوص و متونی که ظاهراً آن ها را واجب بدانند، برای خود موجه می دانند. بنابراین یکی از نتایج حاصل از این مشکل، نحوه مواجهه سازمان امور مالیاتی با این افراد در جلوگیری از فرار مالیاتی است. افراد مذهبی و مقید به فتوای مراجع تقلید، خود را به پرداخت هر دو نوع آن ها موظف دانسته و متحمل فشار مالی و اقتصادی بیشتری می شوند.

- افرادی که به جای تحمل جریمه ها و یافتن راه های فرار از مالیات، از پرداخت وجوهات شرعی امساک می کنند. خود را موظف به پرداخت مالیات های حکومتی می دانند. بخاطر عسر و حرج از پرداخت زکات معذور شده و بناچار چنان تصور می شود مالیات، می تواند جایگزین زکات شود. در حالی که هر چند مالیات ممکن است از حیث ترتب آثار مادی و اقتصادی از جانب پرداخت کنندگان یا منابع مصرف آن مقدم بر زکات باشد. اما هرگز نمی تواند جایگزین زکات شود. بناچار آنچه جوامع امروز از مالیات تلقی می کنند، منعکس کننده ی این معناست که مالیات به دلیل مشروعیت نداشتن و احساس تحمیلی بودن آن از جانب قانونگذار، نه تنها موجب کم رنگ شدن پرداخت زکات را بدنبال دارد همچنین نمی تواند آن آثار معنوی و نفسانی مثبت حاصل از زکات را داشته باشد، بلکه بالعکس از آنجا که مردم آن را نوعی فشار و تحمیل می دانند از آن فرار می کنند، در حالی که زکات علاوه بر اینکه می تواند آثار اقتصادی مالیات را داشته باشد، یک دستگاه انسان سازی و معنویت پروری نیز می باشد، زکات علاوه بر اینکه بسان مالیات جنبه ی اقتصادی مشابه دارد، یک عبادت است و یک رکن دین به شمار می آید، اما مالیات هرگز نتوانسته است چنین جایگاه مقدس و محترمی را داشته باشد.

۵-۴- جایگزینی مالیات با زکات

برخی از دیدگاه های فقهی، زکات را به عنوان یک منبع از بودجه عمومی، صرفاً در مواردی محدود و منحصر به چند مورد خاص هزینه می دانند. از آنجا که نفقات و مخارج دولت بسیار گسترده تر از این است، اقتضا می کند تا منابع تأمین درآمد جدیدی تحت عنوان مالیات وضع گردد. در واقع به دلیل قاعده معروف: «مالایم الواجب الا به فهو واجب»، این گونه مالیاتهای واجب جدید را به منظور سایر مخارج واجب دولت، توجیه می نمایند. اما اگر مفهوم فی سبیل الله را تعمیم داده و شامل هر آنچه که در سبیل رضای خدا و در راستای اهداف کلی و مقدس حکومت اسلامی شود بدانند، در این صورت مصارف زکات گسترده تر می شود و دلیل وجودی این نوع مالیاتها به جای زکات، زکات را ضعیف و کم رنگ می سازد "فی سبیل الله" یعنی کاری که مانند ساختن مسجد و مدرسه، منفعت عمومی دینی دارد یا مثل ساختن پل و اصلاح راه که نفعش به عموم مسلمانان می رسد و آنچه که برای اسلام و مسلمین نفع داشته باشد، به هر نحو که باشد» (خمینی، ۱۳۹۲، مساله ۱۹۲۵) لذا می تواند شامل هر موردی شود که برای جامعه اسلامی نفع داشته باشد، مثل دفاع، امنیت، قضاء، تعلیم، بهداشت، حمل و نقل، برق و کارهای عام المنفعه و ... که به این ترتیب زکات از جمله ی بودجه عمومی به شمار خواهد آمد. لذا معلوم می شود که زکات علاوه بر آثار معنوی و روانی مثبت، قادر است در ابعاد اقتصادی و اجتماعی مالیاتهای رایج ایفا نقش نماید. لیکن بی توجهی نسبت به استفاده از زکات، باعث شد تا قانون مالیات در نظام مالی اسلامی نیز نفوذ کند و آنقدر وسعت یابد که فکر نیاز به زکات، در اذهان و افکار جامعه پردازان اسلامی محو و مطرود ماند و به دلیل کفایت و انعطاف پذیری مالیاتها، باب زکات بکلی مهمل و

تعطیل شود. در حالی که زکات مانند سایر ارکان دین اسلام یک نظام جامعی است که دارای ابعاد متعدد مالی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و عبادی است. حال آن که مالیات به عنوان یک جبر، اکراه، تحکم و استبداد، فاقد هر گونه محتوای روحانی و باطنی می باشد. آیا می توان به رغم تحمیل طاقت فرسای مالیاتهای متعدد، باز هم توان پرداخت زکات می ماند؟ آیا می توان مفهوم خشن مالیات را با مفهوم جذاب زکات که قرین تزکیه مال و نفس و تطهیر قلب است. مقایسه کرد!

۵-۵- وجوه افتراق و اشتراک بین مالیات و زکات

مالیات از مسائل مستحدثه و تقریباً از مقررات مالی قرون اخیر است. مسائل مستحدثه و نیازمندیهای جدید نه به معنای درماندگی فقه و نه مستلزم عمل به بدعتها و خروج تدریجی از دین؛ بلکه به معنای اجتهاد پویا است که بدون دست کشیدن از اصول بلکه بر اساس همین اصول، باید فروع را تبیین و پرسشها را پاسخگو باشد. تبیین رابطه زکات و مالیات برای ایصال به مطلوب حائز اهمیت است.

وجوه افتراق زکات و مالیات؛ ۱- زکات از احکام اولیه، ثابت و مستمر اسلام و یک عمل عبادی است که صحت و پذیرش آن از سوی واضع این تکلیف، نیازمند قصد وجه مکلف می باشد. ولی مالیات از احکام ثانویه و تابع متغیر و یک امر وضعی است و نیازی به قصد قربت ندارد و از شرایط خاص تبعیت می کند و بستگی به نظر حاکم اسلامی دارد. ۲- مالیات، وجوه نقدی است که افراد باید بپردازند، در صورتی که زکات اعم از نقدی و جنسی است و شامل هر دو می شود. ۳- مالیات را همواره دولتها وضع و مطالبه می کنند اما زکات بدون نیاز به مطالبه کسی بر عهده مکلف است که باید با اشتیاق و رغبت بپردازد. ۴- مالیات برای مقاصد عمومی و مصالح کشور قابل تفسیر و تأویل است. ولی زکات با توجه به مشخص بودن مقدار و موارد مصرف آن چندان نیازمند تفسیر و تأویل نیست. ۵- مالیات دهنده همواره خود را طلبکار می داند؛ زیرا قسمتی از دارایی خود را برای رفاه و امنیت خود سرمایه گذاری غیر مستقیم کرده است. اما زکات دهنده آن را حق دیگران می داند. ۶- زکات یک انگیزه درونی عمیق، لطیف و ریشه دار دارد که مالیات این انگیزه را حداقل به این اندازه ندارد. ۷- سمت و سوی کلی زکات و روح حاکم بر آن فقر زدایی و حفظ و گسترش و تحکیم مبانی اصل موازنه اجتماعی است؛ در حالی که مالیات می تواند با توجیحات تفسیری و یا احیاناً انحرافات مدیریتی به نوعی در همان مسیری هدایت و هزینه شود که مالیات دهندگان می خواهند بهره مند شوند. ۸- اصل اولیه در زکات، اعطای اختیاری با انگیزه معنوی و عاطفی برای انجام تکلیف الهی است ولی در مالیات، اعطا نیست، بلکه اخذ و نوعی قسر و جبر و اکراه است.. علی رغم افتراق، موارد وحدت بخش زکات و مالیات که موجب نزدیکی این دو به هم یا احیاناً در مواردی نیز سبب پیوندشان می شود وجود دارد؛ عبارت از: ۱- در بطن هر دو، یک نوع کنز زدایی و مبارزه با تجمع ثروت و تکاثر انبوه دارایی نهفته است و به نوعی مدیون بودن افراد جامعه، به جامعه خود را نیز آشکار می سازند. ۲- در یک نگاه کلی در هر دو رعایت مصالح کلی شده است که از دست رفتن این مصالح خود مفسده انگیز است و اهمال در آن عقلاً جایز نیست. ۳- در مواردی حکومت اسلامی می تواند زکات را به قسر و جبر اخذ نماید و در این صورت یک نوع همانندی با مالیات پیدا می کند. ۴- در مصارف و بخشهای هزینه ای نیز در مواردی مشابه هم می باشند. این اصل با توجه به تفسیر سهم «سبیل الله» در مصارف زکات به هر نوع عمران و آبادی و رفاه اجتماعی و اطلاق آن به همه مصارف خیر، توجیه پذیر است. ۵- مالیاتهای رایج به عنوان یک قانون اقتصادی- اجتماعی وضع و لازم الاجراء گردیده است و تخلف از آن مجازاتهای مقرر را در پی دارد، زکات نیز در شرع مقدس اسلام به عنوان یک قانون اقتصادی و اجتماعی لازم الاجراء است و تخلف از آن هم موجب عذاب اخروی خواهد شد. با مد نظر قراردادن وجوه افتراق و اشتراک و با توجه به اینکه پرداخت دوسویه مالیات و زکات موجب عسر و حرج و عدم اسنطاعت مالی و النهایه ترک زکات را به دنبال دارد. به نظر می رسد با اعمال موارد زیر این مهم ساماندهی شود که اولاً؛ هیچ

گونه تضمینی در جهت دریافت زکات وجود ندارد همان گونه که مأموران مالیاتی به منظور جمع اوری مالیات و با استناد به قوانین مصوب رسمی و اجباری اقدام می کنند، عاملان زکات هم بتوانند با استناد به قانون لازم الاتباع حکومت اسلامی، جهت اخذ زکات اقدام نمایند. ثانیاً؛ در وضع و تنظیم قانون مالیات، معمولاً دولتها مقاصد و اهداف اقتصادی اجتماعی را مدنظر دارند تا بتوانند از محل درآمدهای مالیاتی، هزینه های لازم منافع و مصالح مهم اقتصادی جوامع را تأمین نمایند. به همین ترتیب، حاکمیت اسلامی نیز می تواند از محل درآمدهای حاصل از زکات در مواردی همچون فی سبیل الله و رفع محرومیت و فقر و سایر اصناف مستحقان زکات هزینه نماید که تأمین منافع و مصالح عامه ی مسلمانان، شاید غرض غایی از هزینه های فی سبیل الله باشد یعنی، هیچ گونه تغیری بین این دو قابل تشخیص نیست، علاوه بر اینکه هزینه کردن مالیات در مواردی که به عنوان مصارف زکات و تألیف قلوب کفار به منظور جذب آنان به دین مبین اسلام، اساساً می تواند قانونی شود و شاید تاکنون نیز از این جهت مصارف مالیات و زکات نوعی تطابق عملی وجود داشته است. باید توجه داشت؛ مفهوم فی سبیل الله را نمی توان در یک یا چند مورد خاص محدود و منحصر دانست و بی شمار موارد ممکن و موجود را از آن مستثنا ساخت. (شعبانی، ۱۳۹۸، ش ۳) چرا که ایجاد راه، فرودگاه و متعلقات آن یا احداث سد و تولید نیروی برق، برق رسانی و اداره ی آن یا سرویسهای خدماتی، تأسیس مدرسه و دانشگاه و بیمارستان و آزمایشگاه و ... و اداره ی دستگاه اجرایی دولت و حکومت اسلامی که ابعاد مختلف دارند و در عین حال بسیار وسیع و گسترده می باشد و تقویت هر یک از این موارد را که خود زمینه ی اعتلا و عزت دولت و حکومت اسلامی و نفی سبیل اقتصادی کفار بر مسلمانان را فراهم می سازد و مشمول مفهوم آیه فوق دانست. «وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (نساء: ۴ / ۱۴۱) ثالثاً؛ در وضع قانون حجم نیازهای؛ برنامه ها، اهداف، هزینه ها و نیز شاخص های کلان اقتصادی مقدار و اندازه مالیات مورد ملاحظه قرار می گیرد و متناسب با این همه مخارج و با ملاحظه ی سایر منابع در آمدی، قانون مالیات وضع و تنظیم می گردد، قانون زکات به صورت یک ابزار تأمین مالی حکومت اسلامی با ضریب انعطاف پذیری بسیار بالا می تواند قابلیت کاربردی داشته باشد و به عنوان یک منبع درآمدی کلان برای تأمین مخارج و هزینه های کلان تلقی شود. یعنی، همان گونه که دولتها بودجه ی مالیات را به عنوان تابعی از بودجه ی عمومی خود می دانند، حکومت و دولت اسلامی نیز قادر خواهد بود زکات و ابعاد آن را مطابق با بودجه ی عمومی دولت اسلامی تقدیر و تعیین نماید و از نصابها و موارد و مقادیر اخراج زکات بسان نرخهای انعطاف پذیر همانند نرخ های مالیاتی در موارد مختلف، استفاده نماید. رابعاً؛ مالکیت بر سرمایه به منزله ی امتیاز و مزیتی است که در پرتو آن بهره برداری متناسب از امکانات اقتصادی- اجتماعی، کسب و کار تولید و تجارت را برای صاحبان آن فراهم می سازد. این، خود ایجاب می کند سهم و نسبتی از آن به عنوان مالیات یا زکات برای مقاصد عمومی و اجتماعی و مصالح نوعی اخذ گردد. این امر در فلسفه ی وجودی هر دو مورد زکات و مالیات توجیه پذیر و معنادار می باشد. خامساً؛ در قوانین مالیاتی صحیح یا در قانون زکات مراتب برخورداری از این سرمایه که در سطح اولین نصاب تعلق زکات یا مالیات می باشد. نوعی عدم مشمولیت یا معافیت وجود دارد که آن هم به مقتضای تأمین حداقل معاش برای خود و خانواده است و می توان این ویژگی را به عنوان یک معیار مشترک در هر دو مورد قانون زکات و مالیات ملحوظ داشت. موسوی خمینی (ره) می نویسد: «مالیاتی که اسلام مقرر داشته و طرح بودجه ای که ریخته، نشان می دهد تنها برای سد رمق فقرا و سادات فقیر نیست بلکه برای تشکیل حکومت و تأمین مخارج ضروری یک دولت بزرگ است. اگر حکومت اسلامی تحقق پیدا کند، باید با همین مالیاتهای یعنی خمس و زکات، جزیه و خراجات اداره شود. این به عهده متصدیان حکومت اسلامی است که چنین مالیاتهایی را به اندازه و به تناسب و طبق مصلحت تعیین کرده، سپس جمع آوری کنند و به مصرف مصالح مسلمین برسانند. (موسوی خمینی بی تا: صص ۲۴، ۲۲) مطهری (ره) نیز وضع قوانین مالیاتی غیر از قوانین اولیه

اسلام را از اختیارات حاکم اسلامی دانسته که بر اساس مقتضیات زمانی و شرایط خاص اعمال می شود. می نویسد: «در مورد زکات هم این مسئله مطرح است که آیا حکومت اسلامی می تواند چیز دیگری به عنوان زکات وضع کند یا نه؟ بله می تواند. این از مسلمات است. حاکم اسلامی در موارد مخصوص چیزهای دیگری را مشمول زکات کرده اند و نام آن را مالیات گذاشته اند.. اگر آن نه چیز را به عنوان اصول ثابت قبول کنیم معنایش این است که این ثابت است و غیر آن در اختیار حاکم اسلامی است» (مطهری ۱۳۸۵: ۲۱).

۶- نتیجه

زکات از منابع اقتصادی و مالی جامعه اسلامی و حکمی است که دایره مصرف آن، شامل تمام افراد جامعه اسلامی است لذا می توان مصارف آن را با مالیات یکسان گرفت و ادعا نمود که "زکات و مالیات در عرض هم نیستند، بلکه در طول هم می باشند" و علی رغم تفاوت هایی که میان زکات با مالیات وجود دارد که؛ اولاً: مالیات یک وظیفه شهروندی است و در طول تاریخ بشر بخش مهمی از بودجه عمومی دولت را تشکیل داده و اساسی ترین منبع تأمین مخارج عمومی است. ولی زکات به علت ثابت بودن پایه و نرخ های آن، از چنین قابلیت برخوردار نیست. ثانیاً: زکات یک واجب عبادی مالی بوده که در جهت تأمین مالی فقرای جامعه نقش برجسته ای در تهذیب اخلاق و جامعه دارد و آن را به طور مشخص از مالیات جدا می کند. اما مالیات جزو هزینه های افراد محسوب و مردم را مکلف به پرداخت خمس و زکات خود علاوه بر مالیات است. به همین لحاظ دولت ها سعی دارند تا از تصدی گری خود کاسته و مردم را در هزینه های مربوط به خود شریک کنند. بنابراین وجوه شرعی در برابر مالیات قرار ندارد، بلکه باری را از دوش دولت بر می دارند. همچنین با مد نظر قرارداد ارتباط زکات و نظام مالیاتی در سه گزینه: الف - وجوه اسلامی به عنوان هزینه های قابل قبول محسوب شود. ب - وجوه اسلامی به عنوان بخشی از مالیات پذیرفته شود و در نتیجه نظام مالیاتی تلفیقی از وجوه شرعی و قانونی شود. ج - نظام مالیاتی براساس وجوه شرعی ساخته شود؛ و پویایی فقه اسلامی جهت حل مشکلات نظام مالیاتی به نظر می رسد ولی فقیه و حاکم اسلامی از باب مصلحت، پرداخت مالیات یا بخشی از آن را به عنوان زکات کافی بداند تا فریضه مهم زکات فراموش نشود، سنگینی پرداخت دوسویه از دوش مردم برداشته شود، جلوی فرارهای مالیاتی گرفته شود. لذا دولت مسئول و موظف است جهت یکسان سازی مطالبات شرعی و قانونی با در نظر گرفتن مشکلات فقهی، اجرایی، ساختاری و تقنینی با تغییر رویکردها موجبات اصلاحات اساسی و پیاده سازی نظام مالیاتی مطلوب در قالب دین اسلام مبادرت نماید.

منابع

*قرآن کریم

- ۱- ابن زهره، حمزه بن علی، ۱۳۷۶، غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع، موسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (ع)، قم
- ۲- اجتهادی، ابوالقاسم، ۱۳۶۳، بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین تا پایان دوره اموی، انتشارات سروش، تهران
- ۳- انصاری، محمدجعفر، ۱۳۷۸، درآمدی به مبانی اقتصاد خرد با نگرش اسلامی، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد
- ۴- بروجردی، سید حسن، ۱۳۸۰، جامع الاحادیث الشیعه فی احکام الشریعه، مطبعه المساحه، جلد ۹، تهران
- ۵- جزیری، عبدالرحمن؛ مازح، یاسر؛ عریض، علی حسن، ۱۴۱۹، الفقه علی المذاهب الاربعه، ناشر دار الثقلین، بیروت
- ۶- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۶۸، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ ۴، تهران
- ۷- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۹، مالیات های حکومتی از دیدگاه فقه، مجموعه مقالات نظام مالی اسلام، مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران

- ۸- حائری، سید کاظم؛ تجلیل تبریزی، ابوطالب، ۱۳۷۶، مسائل مستحدثه زکات، مجله فقه اهل بیت، قم
- ۹- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۶۴، وسائل الشیعه، مترجم صحت، علی، انتشارات ناس، تهران
- ۱۰- حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۴، تذکره الفقهاء، موسسه آل بیت (ع) لاحیاء التراث، قم
- ۱۱- داداشی نیاکی، محمد رضا، ۱۳۸۵، مالیات و وجوهات شرعی، مجله مطالعات اسلامی، تهران
- ۱۲- شعبانی، احمد، ۱۳۸۸، تحلیلی پیرامون زکات یا مالیات کدامیک، مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع) ش ۳
- ۱۳- صادقی تهرانی، علی، ۱۳۷۰، گامی در تحلیل اقتصادی و ویژگی های رفتاری در نظام های اقتصادی شهری تمدن اسلامی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد
- ۱۴- صدر، محمدباقر، ۱۴۰۲، اقتصادنا، دارالتعاریف للمطبوعات، بیروت
- ۱۵- طباطبائی، محمد حسین، ۱۴۱۷، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، قم
- ۱۶- طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۸۷، المبسوط فی فقه الامامیه، ناشر مکتبه المرتضویه، تهران
- ۱۷- ...، ۱۴۰۷، الخلاف، نشر اسلامی وابسته به مدرسین حوزه علمیه، قم
- ۱۸- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۰۹، من لا یحضره الفقیه، مترجم: غفاری، علی اکبر، نشر صدوق، تهران
- ۱۹- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۷، فروع کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران
- ۲۰- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، چاپ سوم، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت
- ۲۱- مشکینی، علی، ۱۳۸۴، اصطلاحات الاصول، نشر حکمت، قم
- ۲۲- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، مبانی اقتصادی اسلام، انتشارات حکمت، چاپ اول، تهران
- مکارم شیرازی (جمعی از نویسندگان)، ناصر، ۱۳۹۹، تفسیر نمونه، ناشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۴۰، تهران
- ۲۳- موحدی بکنظر، مهدی؛ رضائی، محمد جواد، ۱۳۹۱، ارتباط وجوهات شرعی و مالیات های حکومتی در الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی، پژوهشنامه مالیات، تهران
- ۲۴- موسوی خمینی، روح الله، بی تا، صحیفه امام، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران
- ۲۵- موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۹۴، ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی تقریر بیانات امام خمینی (ره)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران
- ۲۶- موسوی خمینی، ۱۳۹۲، رساله توضیح المسائل، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران
- ۲۷- مومن، محمد، ۱۳۸۰، رابطه خمس و زکات با مالیات های حکومتی، مجله اقتصاد اسلامی، تهران
- ۲۸- نجفی، شیخ محمد حسن، ۱۳۶۷، جواهر الکلام، تعلیق شیخ عباس قوچانی، دارالکتب الاسلامیه، جلد ۱۵، چاپ سوم، تهران
- ۲۹- نراقی، احمد بن محمد، ۱۴۰۵، مستند الشیعه، کتابخانه ی آیه الله المرعشی، قم
- ۳۰- یوسفی، احد علی، ۱۳۷۹، نظام مالی اسلام، مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران